

بِه نام خدا

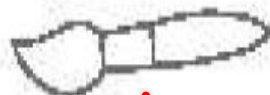
درس نهم

«زیارت»

آموختنی‌ها

- ۱ آداب زیارت
- ۲ آشنایی با حرم امام رضا (ع) و حس احترام به امامان
- ۳ اضافه کردن واژه‌ی «خانم» به بعضی کلمه‌ها و بیان معنی آن‌ها
- ۴ آشنایی با زمان انجام کار در گذشته





جعبه ی کلمات

کلمات هم معنی

داخل:

برمی چیدند:

مقداری:

گلدسته:

چلچراغ:

جمعیت:

پاشید:

زیر لب:

اذان:

حرم:

میان:

تماشا کرد:

جعبه ی کلمات

کلمات هم معنی

داخل: وارد

برمی چیدند: برمی داشتند

مقداری: اندکی

گلدسته: مناره

چلچراغ: چراغ های بزرگ

جمعیت: عده ای از مردم

پاشید: ریخت

زیر لب: آهسته حرف زدن

اذان: اعلام وقت نماز

حرم: جای امن دور مزار امامان

میان: وسط

تماشا کرد: نگاه کرد

کلمات مخالف

..... ≠ پاشید

..... ≠ مرتب

..... ≠ آرام

..... ≠ نزدیک

..... ≠ پرکار

..... ≠ گل‌های شاداب

..... ≠ زیر

..... ≠ اول

..... ≠ داخل

..... ≠ بلند

..... ≠ زیبایی



کلمات مخالف

پاشید ≠ منسجم

مرتب ≠ نا مرتب

آرام ≠ شلوغ

نزدیک ≠ دور

پرکار ≠ کم کار

گل‌های شاداب ≠ گل‌های پژمرده

زیر ≠ رو

اول ≠ آخر

داخل ≠ خارج

بلند ≠ کوتاه

زیبایی ≠ زشتی



صفحه ی ۷۴ کتاب فارسی علوی

الف: یک بار از روی درس بخوان و سپس کتابت را ببند. حال هفت تا از کلمه هایی را که به خاطرت مانده است داخل بادکنک بنویس.

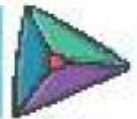


ب: با توجه به متن درس کلمات اشتباه زیر را درست کن.

مقرب	خندن	وزوخانه	ازان	نگزشت

پ: حرف مناسب را انتخاب کن و در جای خالی بنویس.

نگ شت				ص رب				رم			
ض	ظ	ذ	ز	ص	ق	ا	غ	ه	ح	م	ث



۱ به کدام یک از کلمه‌های زیر می‌توان واژه‌ی «خانه» را اضافه کرد؟ آن را به خانه وصل کن.



زیارت 

موتور 

سرباز 

سرد 

آسمان 

۲ درستی  و نادرستی  جملات زیر را مشخص کرده و در صورت نادرستی، درست آن‌ها را بنویس.

الف: همه نماز می‌خواندند. ☐

ب: گندم‌ها را پدر بزرگ برایم خریده است. ☐

پ: صدای اذان مغرب از گل‌دسته‌ها به گوش می‌رسید. ☐

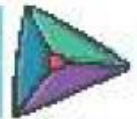
۳ با توجه به درس، در جاهای خالی کلمه‌های مناسب بنویس.

الف: بزرگ، همه جا را نور باران کرده بودند.

ب: زینب و مادرش از میان بیرون رفتند.

پ: صدای از گل‌دسته‌ها بلند شد.

تمرین



۱ به کدام یک از کلمه‌های زیر می‌توان واژه‌ی «خانه» را اضافه کرد؟ آن را به خانه وصل کن.

زیارت

موتور



سرباز

سرد

آسمان

۲ درستی و نادرستی جملات زیر را مشخص کرده و در صورت نادرستی، درست آن‌ها را بنویس.

الف: همه نماز می‌خواندند. ☒

ب: گندم‌ها را پدر بزرگ برایم خریده است. ☒

پ: صدای اذان مغرب از گل‌دسته‌ها به گوش می‌رسید. ☒

۳ با توجه به درس، در جاهای خالی کلمه‌های مناسب بنویس.

الف: چلچراغ‌های بزرگ، همه جا را نور باران کرده بودند.

ب: زینب و مادرش از میان جمعیت بیرون رفتند.

پ: صدای اذان از گل‌دسته‌ها بلند شد.



Blank area for writing two sentences about the image.

آیا تا به حال به زیارت حرم امام رضا (ع) رفته‌ای؟

با کمک بزرگ‌تره‌ایت، نام سه محل زیارتی را در جاهای خالی زیر بنویس.

Blank box for writing a place of pilgrimage.

Blank box for writing a place of pilgrimage.

Blank box for writing a place of pilgrimage.



صفحه ی ۷۵ کتاب فارسی علوی



..... خواندیم.

..... شما

.....

من کتاب خواندم.

..... تو کتاب

..... او

هر یک از قطعات ردیف بالا را به طور مناسب به قطعات ردیف پایین وصل کن.

۲ رکعت

۴ رکعت

۳ رکعت

نماز عشا

نماز مغرب

نماز عصر

نماز ظهر

نماز صبح

ما کتاب خواندیم.

شما کتاب خواندید

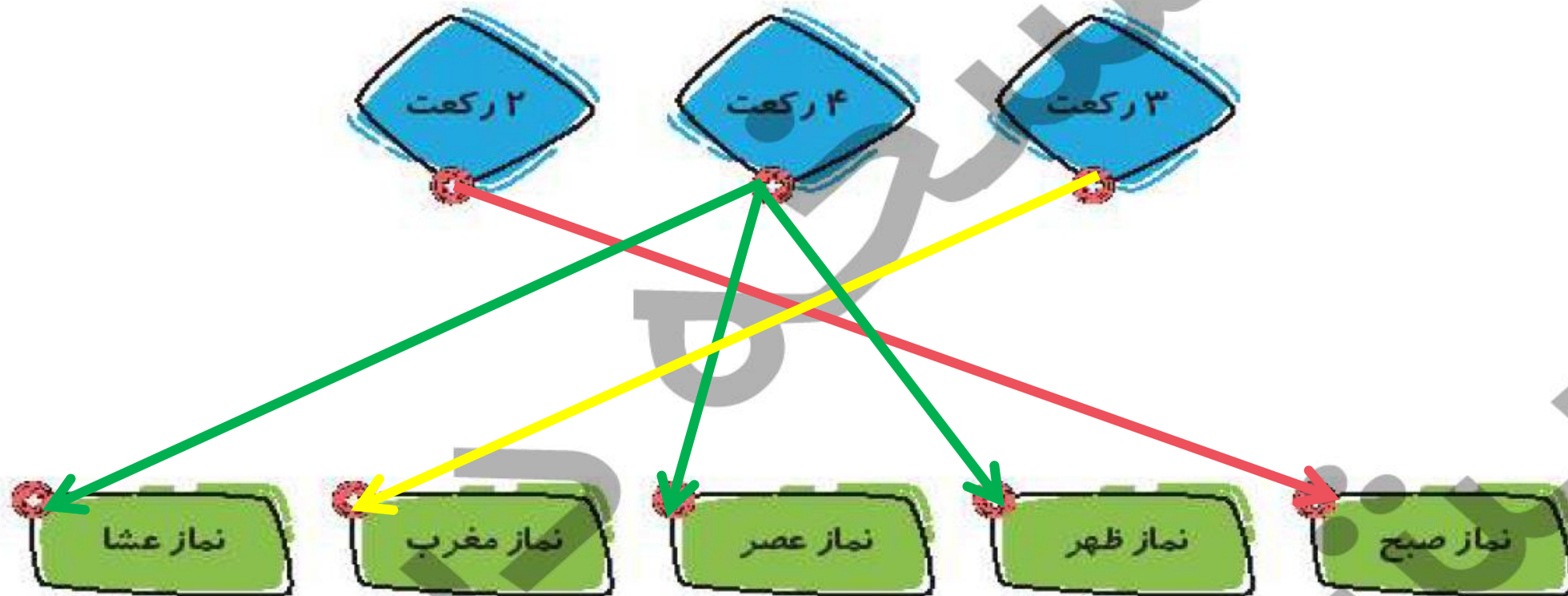
آن ها کتاب خواندند

من کتاب خواندم.

تو کتاب خواندی

او کتاب خواند

هر یک از قطعات ردیف بالا را به طور مناسب به قطعات ردیف پایین وصل کن.



سال گذشته ما همه با هم به خانه‌ی خاله زهرا در روستا (رفتند - رفتیم). ما هر روز صبح زود از خواب بیدار (می‌شدی - می‌شدیم). خاله زهرا بعد از نماز چای را آماده (می‌کرد - می‌کردید) و برای صبحانه شیر تازه (می‌آوردم - می‌آورد). بعد ما به صحرا (می‌رفتیم - می‌رفتند). من تمام روز با بچه‌ها بازی (می‌کردیم - می‌کردم). مردم روستا کارهای مختلفی (داشتم - داشتند). بعضی از آن‌ها نان (می‌پختند - می‌پختی). بعضی از آن‌ها قالی (می‌بافم - می‌بافتند). بچه‌ها نیز در کارها به بزرگ‌ترها کمک (می‌کردیم - می‌کردند).

الف: به ترتیب به «کسی که میوه می‌فروشد، و «کسی که ساعت می‌سازد، و «کسی که کتاب می‌فروشد، چه می‌گویند؟

(۱) میوه‌فروش، ساعت‌ساز، کتاب‌فروش

(۲) میوه‌فروش، ساعت‌فروش، کتاب‌فروش

(۳) میوه‌فروش، ساعت‌ساز، کتابدار

(۴) میوه‌فروش، ساعت‌فروش، کتابدار



سال گذشته ما همه با هم به خانه‌ی خاله زهرا در روستا (رفتند - رفتیم). ما هر روز صبح زود از خواب بیدار (می‌شدی - می‌شدیم). خاله زهرا بعد از نماز چای را آماده (می‌کرد - می‌کردید) و برای صبحانه شیر تازه (می‌آورد - می‌آورد). بعد ما به صحرا (می‌رفتیم - می‌رفتند). من تمام روز با بچه‌ها بازی (می‌کردیم - می‌کردم). مردم روستا کارهای مختلفی (داشتیم - داشتند). بعضی از آن‌ها نان (می‌پختند - می‌پختی). بعضی از آن‌ها قالی (می‌بافم - می‌بافتند). بچه‌ها نیز در کارها به بزرگ‌ترها کمک (می‌کردیم - می‌کردند).

الف: به ترتیب به «کسی که میوه می‌فروشد، و «کسی که ساعت می‌سازد، و «کسی که کتاب می‌فروشد، چه می‌گویند؟

(۲) میوه‌فروش، ساعت‌فروش، کتاب‌فروش

(۴) میوه‌فروش، ساعت‌فروش، کتابدار

(۱) میوه‌فروش، ساعت‌ساز، کتاب‌فروش

(۳) میوه‌فروش، ساعت‌ساز، کتابدار



ب: در جای خالی چه کلمه‌ای مناسب است؟ «..... غذا می‌خوریم.»

- (۱) من (۲) شما (۳) آنها (۴) ما

پ: املاي کدام واژه نادرست است؟

- (۱) وضوخانه (۲) چلچراق (۳) حرم (۴) اذان

ت: سوگلي با چه حیواناتی صحبت کرد؟

- (۱) خروس - کلاغ - [] (۲) خروس - فیل - []

- (۳) دارکوب - کلاغ - [] (۴) همد - کلاغ - []

ث: به جایی که در آن دارو می‌فروشند، چه می‌گویند؟

- (۱) داروفروشی (۲) داروخانه

- (۳) داروساز (۴) گزینه‌ی ۱ و ۲ هر دو صحیح هستند.

ج: جمله‌ی زیر، با کلمه‌های کدام گزینه کامل می‌شود؟

«..... دیروز به بازار»

- (۱) او - رفتی (۲) شما - رفتید (۳) ما - رفتند (۴) من - می‌روم

ب: در جای خالی چه کلمه‌ای مناسب است؟ غذا می‌خوریم.

(۱) من

(۲) شما

(۳) آنها

(۴) ما

پ: املاي کدام واژه نادرست است؟

(۱) وضوخانه

(۲) چلچراق

(۳) حرم

(۴) اذان

ت: سوگلي با چه حیواناتی صحبت کرد؟

(۱) خروس - کلاغ - []

(۲) خروس - فیل - []

(۳) دارکوب - کلاغ - []

(۴) همد - کلاغ - []

ث: به جایی که در آن دارو می‌فروشند، چه می‌گویند؟

(۱) داروفروشی

(۲) داروخانه

(۳) داروساز

(۴) گزینه‌ی ۱ و ۲ هر دو صحیح هستند

ج: جمله‌ی زیر، با کلمه‌های کدام گزینه کامل می‌شود؟

..... دیروز به بازار

(۱) او - رفتی

(۲) شما - رفتیم

(۳) ما - رفتند

(۴) من - می‌روم



داستان زیر را بخوان و به سؤالها پاسخ بده.

۱۰

پرنده‌ای بر بالای دیواری نشسته بود و به دانه‌هایی نگاه می‌کرد که درون دام ریخته بودند. از طرفی گرسنه بود و دلش می‌خواست دانه‌ها را بخورد. ولی از دام ترسیده بود. نمی‌دانست چه کار کند. گرسنه بود. روزهای زیادی غذا نخورده بود، اما اگر به سمت دانه‌ها می‌رفت، در دام می‌افتاد و دیگر نمی‌توانست صحرا و دشت را ببیند و پرواز کند. سرانجام تصمیم خود را گرفت. به سمت دانه‌ها رفت و در دام اسیر شد. پرنده‌ای دیگر همان اطراف بود. او دام و دانه‌ها را دیده بود، اما سمت آن‌ها نرفته بود. پس، وقتی پرنده‌ی اسیر را دید، از اینکه خودش در دام گرفتار نشده بود، بسیار خوشحال شد.

«مثنوی معنوی مولانا، دفتر سوم»

الف: چرا پرنده‌ی اوّلی نمی‌دانست چه کار باید بکند؟

ب: به نظر تو، پرنده‌ی اوّل، پرنده‌های شکمو بود؟

پ: اگر بخواهی داستان سرانجامی خوب داشته باشد، چگونه آن را تمام می‌کنی؟

ت: فکر می‌کنی ممکن است این داستان در واقعیت هم اتفاق بیفتد؟

ث: پرنده‌ها از چه نوع دانه‌هایی برای سیر کردن شکم خود استفاده می‌کنند؟

